

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۱۰، پیاپی ۹۳، تابستان ۱۳۹۰

آشفته‌گی منابع درباره‌ی فرمان‌های تشکیل مجلس در نهضت مشروطیت ایران

محمد مهدی مرادی خلیج^۱

تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۵

تاریخ تصویب: ۹۰/۷/۱۶

چکیده

در پی مشارکت مردم، روحانیت و روشنفکران در جریان نهضت مشروطیت، سرانجام در فاصله‌ی روزهای ۱۴ تا ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴، مظفرالدین‌شاه سه فرمان در پاسخ به خواست‌های معترضان، مبنی بر تغییر در ساختار اداره‌ی کشور صادر کرد که محوریت فرمان‌ها بر تشکیل مجلسی از نمایندگان اقشار مختلف قرار داشت، اما حساسیت در نام‌گذاری مجلس، که عمده دلیل آن عوامل سیاسی بود، موجب شد فرمان نخست که در آن فقط از تشکیل مجلس سخن رفته بود، به «مجلس شورای اسلامی» و در پی اعتراض‌ها و رایزنی‌های بعدی به «مجلس شورای ملی» تغییر نام یابد. از آنجا که فرمان آخر به لحاظ زمان نگارش امضای تاریخ ۱۴ جمادی‌الثانی را در پای خود دارد، این امر موجب خطای بسیاری از نویسندگان تاریخ مشروطیت شده است و این فرمان را که به واقع در ۱۸ جمادی‌الثانی صادر شده است، با فرمان نخستین که به روایت ناظم‌الاسلام

۱. استادیار بخش تاریخ دانشگاه شیراز mm_mkhalaj@yahoo.com

و مخبرالسلطنه هدایت که به تاریخ ۱۴ جمادی‌الآخری (یا الآخره) مربوط است، خلط کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: فرمان، مجلس شورای ملی، مجلس شورای اسلامی، مظفرالدین شاه، مشروطیت.

مقدمه

در پی اعتراض مردم و روحانیان به شیوه حاکمیت استبدادی شاهزاده عین‌الدوله صدراعظم و خودداری او از دایر کردن عدالتخانه که در جریان هجرت صغری وعده داده شده بود، روحانیان تهران مهاجرت دیگری را تدارک دیدند که به مقصد قم انجام گرفت و از ۲۳ جمادی‌الاولی تا ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ به درازا کشید. در پی این مهاجرت که هجرت کبری نامیده شد، مظفرالدین شاه در پاسخ به خواسته‌های مهاجرین و پشتیبانان آنها که در سفارت انگلیس در تهران تحصن کرده بودند، دو دستخط - که انتشار عمومی نیافت - و سه فرمان در باب تأسیس مجلس صادر کرد. این دستخط‌ها و فرامین که در فاصله روزهای ۱۲ تا ۱۸ جمادی‌الثانی صادر گردیده است، از یک سو نقش افکار عوامل فعال واسطه را در اخذ آنها نشان می‌دهد و از دیگر سو، شاهدهی بر ضعف اراده مظفرالدین شاه است که با بیماری کلیه او تشدید یافته بود (ناظم‌الاسلام، ۱۳۶۲: ۴۹۶؛ مخبرالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۴۳؛ ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۱۳۵؛ کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ۱۸/۱). پاسخ به چرایی و چگونگی صدور این فرمان‌ها، موضوع مقاله جداگانه‌ای است. آنچه مقاله حاضر درصدد تبیین آن است؛ یکی وضوح‌بخشی به تعداد این فرمان‌ها و متن آنهاست و دیگری بیان چرایی گزارش‌های آشفته از این فرمان‌ها در منابع منتشر شده در زمان نزدیک به حادثه و نیز کتاب‌هایی است که درباره نهضت مشروطیت نوشته شده‌اند؛ زیرا به‌سختی منبعی را به عنوان مبنا در ذکر فرمان‌های مربوط به تشکیل مجلس می‌توان برگزید. مقایسه متن فرمان‌ها در هر یک از منابع عصر مشروطیت و کتاب‌های تحقیقی پس از آن، ورود تأسف بار غلط‌های نگارشی و افتادگی‌هایی را در آنها نشان می‌دهد و این واقعیت ضرورت تلاش برای شناخت متن اصلی فرمان‌ها و نیز یافتن

اصل اسناد آنها را بر مسئولین فرهنگی و ارباب تحقیق کشور گوشزد می‌نماید. در این رابطه این سؤال اصلی مطرح است که: آیا گزارش مغشوش منابع، دلیل یا دلایل خاصی دارد؟ برای پاسخ به این سؤال باید به چند سؤال فرعی دیگر پاسخ داد:

۱. آیا دلیل یا دلایل سیاسی موجب اغتشاش منابع در ذکر فرمان‌ها شده است؟
 ۲. آیا دلایل فکری و نگرش خاص نویسندگان عامل تفاوت نقل فرمان‌ها گشته است؟
 ۳. آیا دیدگاه علمی نویسندگان به مسایل تاریخی و میزان اهمیت دادن آنها به دقت در گزارش‌های تاریخی موجب این اغتشاش گشته است؟
- بر اساس سؤال‌های فرعی بالا می‌توان به پاسخ سؤال کلی نخستین دست یافت. فرض‌های مطرح در مورد سؤال اصلی، مستند به ۱۷ کتاب موضوع مطالعه موردی نگارنده در تاریخ مشروطیت - که فهرست آنها در پایان مقاله آمده است و وجه‌گزینش آنها بر اساس نزدیکی به حادثه مشروطیت و اهمیت آنهاست - می‌توانند چنین باشند:

۱. دیدگاه مبتنی بر پیش‌داوری: بر این اساس پیش‌داوری برخی نویسندگان موجب برگرفتن فرمانی و وانهادن فرمانی دیگر است و به اصطلاح، برخی نه بر اساس «نگاه آینه‌ای به تاریخ» بلکه بر پایه «تصور عینکی» از آن دست به‌گزینش فرمان‌ها زده‌اند.
۲. احتمال دارد تأثیر گفتمان مسلط فرهنگی روزگار نگارش اثر، در برگرفتن و وانهادن فرمان‌ها مؤثر باشد.
۳. اینکه چه میزان نویسندگان آثار مربوط به مشروطیت، دغدغه‌های علمی در ذکر مسایل تاریخی داشته‌اند و بر اتقان در ثبت و ضبط حساسیت نشان داده‌اند، در نوع گزارش و گزینش فرمان‌ها تأثیر داشته است.

روش نگارنده در گزینش متن مبنا در مورد هر یک از فرمان‌ها، جست‌وجوی اصل و یا تصویر فرمان بوده است و چنانچه به اصل و یا تصویر فرمانی دسترسی نبوده است، به منابع منتشر شده در عصر نهضت مشروطیت و یا نزدیک به آن زمان که مستندتر و حسب قرائن دقیق‌تر می‌نموده است، تکیه شده است. در این میان، دستخط ۱۲ جمادی‌الثانی که فقط در کتاب نارنجی آمده است و دستخط ۱۸ جمادی‌الثانی که فقط در تاریخ بیداری ایرانیان آمده است، **عیناً** از کتاب‌های مذکور

نگاشته شده است، اما در مورد فرمان اول تشکیل مجلس (۱۴ جمادی الاخری)، متن تاریخ بیداری ایرانیان که غلط‌های کمتری دارد، مبنا قرار گرفته است و متن‌های دیگر منابع با آن سنجیده شده است. در فرمان دوم (۱۶ جمادی الثانی) با همین استدلال - کمتر اشتباه داشتن - از تاریخ مشروطه ایران نوشته کسروی، به عنوان متن مبنا و اساس سنجش متن دیگر منابع استفاده شده است. در مورد فرمان سوم (۱۸ جمادی الثانی)، به علت وجود گراور آن در دو کتاب «مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه» و «تاریخ استقرار مشروطیت در ایران»، متن گراور شده اساس قرار گرفته است.

۱. فرمان‌های تشکیل مجلس و منابع تاریخی عهد مشروطیت

تاریخ مشروطه ایران نوشته احمد کسروی پرشمارترین کتاب منتشره درباره مشروطیت، که به دلیل شهرت نویسنده و سبک نگارش آن، مجال رخ‌نمایی به منابع نخستین نگاشته شده در این باره را از قشر مطالعه کننده تاریخ ستانده است، متن دو فرمان درباره تشکیل مجلس را آورده است. بنا بر ادعای نویسنده کتاب، مظفرالدین‌شاه در فرمان اول خود که به تاریخ یکشنبه سیزدهم مرداد ۱۲۸۵ ش (۱۴ جمادی الثانیه ۱۳۲۴) امضاء نمود، مجلس را «مجلس شورای ملی» نامید. اما آنچه در این فرمان آمده بود: «کوشندگان آن را نپسندیده و با خواست خود سازگار ندیدند و کسانی فرستاده چاپ شده‌های آن را از دیوارها کردند.» (کسروی، ۱۳۵۷: ۱۱۹-۱۲۰)؛ از این رو مظفرالدین‌شاه شب شانزدهم مرداد (شب ۱۷ جمادی الثانی) در تکمیل دستخط پیشین خود فرمان دیگری صادر نمود که در آن بر نام «مجلس شورای اسلامی» تصریح رفته است. پس از این فرمان به قول نویسنده: «مردم این را پذیرفتند و به جشن و شادمانی برخاستند (همان، ۱۲۰). با فرض درستی گفته مذکور مبنی بر اعلام رضایت مردم از فرمان دوم که نام «مجلس شورای اسلامی» داشته است، خواننده در می‌ماند که چرا و چگونه پس از آن نام مجلس نه با عنوان «اسلامی» بلکه با پسوند «ملی» در میان مردم، نوشته‌ها و گفته‌های رسمی رواج یافته است.

مهدی ملکزاده نیز که مطالعه مطالب نگاشته شده‌اش نشان می‌دهد نوشته کسروی را سند خود قرار داده است، تنها با آوردن متن فرمان دوم یاد شده ادعای این مأخذ را تأیید کرده است (ملکزاده، ۱۳۶۳: ۸۰/۲-۳۷۹) همین برداشت نیز در تنظیم گراور فرمان ۱۴ جمادی الثانیه و توضیح

درباره فرمان دوم در ضمیمه روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی که به تاریخ چهارشنبه اول خرداد ۱۳۲۵ منتشر شده است پذیرفته شده و سپس در کتاب مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه آمده است (مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه: ۲، ۵). دیگر منبع فرعی در این باره انقلاب مشروطیت ایران اثر ادوارد براون است که تنها به یک فرمان در پنجم اوت مطابق چهاردهم جمادی‌الثانی و هم‌زمان با زادروز شاه اشاره می‌کند و این فرمان را همان می‌داند که نام «مجلس شورای ملی» داشته است (براون، ۱۳۷۶: ۱۲۵ و ۱۲۸). فریدون آدمیت نیز فرمان پنجم اوت (چهارده جمادی‌الآخری) و نهم اوت (هیجده جمادی‌الثانی) را از یکدیگر تمیز نداده و از فرمان نهم اوت را که بر «ملی» بودن نام مجلس شورا تصریح کرده است، فرمان پنجم اوت دانسته است (آدمیت، ۱۳۵۵: ۱۷۱).

از میان کسانی که در بطن حوادث مشروطیت بوده یا با کنشگران اصلی این نهضت مرتبط بوده‌اند نیز برخی مانند دولت‌آبادی فقط از «تشکیل مجلس شورای ملی» یاد کرده‌اند و به فرامین صادره در این باب اشاره‌ای نداشته‌اند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۷۹-۸۱/۲) یا همچون حاج سیاح از صدور فرمان مشروطیت در ۱۴ جمادی‌الثانیه سخن گفته‌اند (سیاح، ۱۳۵۹: ۵۶۱). شیخ مهدی شریف کاشانی و هاشم محیط مافی نیز فقط متن فرمان تشکیل «مجلس شورای ملی» را در اثر خود آورده‌اند (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۱/۶-۸۵؛ محیط مافی، ۱۳۶۳: ۱۳۳ و ۱۳۶-۱۳۷). مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) که کنشگری فعال در جریان مشروطیت بوده است نیز با عنوان «دستخط تشکیل مجلس» در دو کتاب «خاطرات و خطرات» (مخبرالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۴۱) و «گزارش ایران» (همان، ۱۳۶۳: ۱۷۳) از فرمانی در تشکیل مجلس یاد کرده است که هیچ نامی (نه اسلامی و نه ملی) بر خود ندارد و با عبارت «مجلسی از...» فرمان را به‌طور ناقص و با انشایی متفاوت در دو اثر خود آورده است.

با توجه به عبارت «مجلسی از...» به نظر می‌رسد مبنای نگارش مخبرالسلطنه فرمان اول - و نه فرمان سوم و نهایی تشکیل مجلس - بوده است. صفاعلی‌شاه (ظهیرالدوله) نیز متن مورد اشاره هدایت را به‌طور کامل‌تر آورده است؛ هر چند باز هم نواقصی دارد (ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۹-۱۲۸).

منابع مستند به اسناد برگرفته از گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس و گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری در باب انقلاب مشروطه ایران که به ترتیب با عناوین «کتاب آبی» و «کتاب نارنجی» شهرت دارند نیز چندان به توضیح مطلب نپرداخته‌اند. کتاب آبی اگرچه از «دستخط‌های شاه» و «متقاعد نشدن رؤسا به واسطه مجمل و مبهم بودن» دستخط‌ها سخن به میان آورده است، به تعداد این فرمان‌ها اشاره نکرده است و متن هیچ‌یک از آنها را نیز گزارش ننموده است و فرمان آخر را نیز شامل تأسیس مجلس مبعوثان (و نه شورای ملی) دانسته است (کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱۱/۱-۱۰). کتاب نارنجی نیز از دو فرمان ذیل تلگراف هوف مستر هارتویگ^۱، وزیر مختار سفارت روس در تهران (کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ۲۶/۱؛ سیاست‌گذاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران، بی تا؛ ۱۵) درباره مجلس یاد کرده است. دومین فرمان مندرج در کتاب نارنجی البته از نظر تاریخ امضاء (۱۴ جمادی‌الآخری) و محتوای متن - و نه انشای آن - (کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ۲۹-۳۰) با آنچه که مهدیقلی هدایت در دو اثر یاد شده خود آورده است سازگاری دارد، اما فرمان اول که با تاریخ ۱۲ جمادی‌الثانی ذیل تلگراف مزبور آمده است (همان، ۲۹) تنها در این منبع آمده و این همان است که در مقاله موجود با نام «دستخط ۱۲ جمادی‌الثانی» آمده است. سفیر گزارش‌کننده مدعی است که متن دستخط ۱۲ جمادی‌الثانی انتشار نیافت و از چاپ آن جلوگیری به عمل آمد و نسخ چاپ شده نیز نابود شد؛ با این حال میسون روس موفق شد که نسخه‌ای از آن را به دست آورد (همان، ۲۸). البته بین دو متن مسطور در کتاب نارنجی تفاوت‌هایی وجود دارد، اما فرمان دوم در کتاب نارنجی با متن یاد شده مهدیقلی هدایت و نیز برخی منابع نخستین که بعدها از آنها یاد خواهد شد، از نظر انشای مطلب سازگار نیست؛ اگر چه روشن است که برگرداندن متن از فارسی به روسی و سپس ترجمه آن از روسی به فارسی در متفاوت شدن متن نگارش یافته ترجمه کتاب نارنجی با متون منابع تاریخی عصر مشروطیت - که از آغاز به زبان فارسی بوده‌اند - مؤثر بوده است، این نکته نیز شایان ذکر است که نگارنده برای آشکار شدن تفاوت فرمان اول و فرمان نهایی تشکیل مجلس که هر دو تاریخ واحدی را دارند، با

استناد به نوشته ناظم‌الاسلام و مخبرالسلطنه هدایت به ترتیب آنها را با تاریخ‌های ۱۴ جمادی‌الآخری و ۱۴ جمادی‌الثانیه یاد کرده است.

تنها سه منبع در مورد عصر مشروطیت به درستی به تعداد فرمان‌ها - و نه متن آنها - اشاره کرده‌اند که یکی از آنها در زمره منابع اسنادی است و دو منبع دیگر خاطره‌نگاری‌های روزانه معاصران نهضت مشروطیت است. حسن معاصر که برخی از اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلستان را با نام «تاریخ استقرار مشروطیت در ایران» ترجمه کرده است، از سه فرمان مظفرالدین‌شاه در مورد مجلس یاد کرده است. اما در توضیح فرمان دوم که نام آن «مجلس شورای اسلامی» بوده، به خطا آن را «مجلس شورای ملی» نامیده و تاریخ فرمان را ۱۷ جمادی‌الثانی ذکر کرده است. مترجم، فرمان سوم درباره مجلس را که نام مجلس شورای ملی دارد نیز گراور نموده است (معاصر، ۱۳۵۳: ۱۰۰ و ۹۴). سید احمد تفرشی در یادداشت‌هایی که به طور روزانه می‌نگاشته است، از فرمان اول تشکیل مجلس یاد کرده و گفته است که: «مردم در اعتراض به دستخط مزبور آن را از محلات کنندند.» (تفرشی، ۱۳۵۱: ۳۶). وی سپس از فرمان دوم که در پی ملاقات نمایندگان روحانیان مهاجر با شاه در ۱۶ جمادی‌الثانی صادر گردیده یاد کرده است (همان، ۴۰) و متن فرمان سوم را که در ۱۸ جمادی‌الثانی صادر گردیده است (همان، ۴۱) به طور ناقص در یادداشت‌های خود آورده است (همان: ۴۳-۴۴).

تاریخ بیداری ایرانیان تنها منبع از سه یاد شده است که با آوردن متن هر سه فرمان، هم تفاوت فرامین را بر خواننده آشکار می‌سازد و هم با توضیحاتی که داده است، چگونگی صدور آنها را مکشوف می‌نماید و با آگاهی بر داده‌های اوست که راز خطای دیگران آشکار می‌گردد. اما در باب منبع اخیر نیز - چنانچه در صفحات آینده خواهد آمد - گفتنی است که متن فرامین مجلس در تاریخ بیداری ایرانیان از دقت کافی برخوردار نیست. فرمان دوم مذکور در آن در مقایسه با نوشته «مذاکرات تقنینیه دوره اول» (۱۳۲۵: ۵) و «تاریخ مشروطه ایران» کسروی (۲۵۳۷: ۱۱۹/۱) افتادگی‌هایی دارد و آنچه در فرمان سوم مندرج در تاریخ بیداری ایرانیان آمده است، در مقایسه با گراور این فرمان (مذاکرات تقنینیه، ۱۳۲۵: ۲؛ معاصر، ۱۳۵۳: ۱۰۰) نشان می‌دهد که کسروی و محمد مهدی شریف با دقت بیشتری به ضبط فرمان سوم پرداخته‌اند.

با توجه به توضیحات ناظم‌الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان، روشن می‌شود که مظفرالدین‌شاه سه فرمان در تاریخ‌های یکشنبه ۱۴، سه شنبه ۱۶ و پنجشنبه ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ (برابر ۵، ۷ و ۹ اوت ۱۹۰۶) در ارتباط با مجلس امضا کرده است (ناظم‌الاسلام، ۱۳۶۲: ۵۵۰، ۵۵۷ و ۵۶۲؛ ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۱۱۸، ۱۳۶ و ۱۴۱؛ تفرشی: ۳۵، ۴۰، ۱۴۱؛ کسروی: ۱۲۰/۱، ۱۱۹ و معاصر: ۹۵، ۹۴) که به ترتیب با عناوین «مجلسی از منتخبین شاهزادگان و علما...»، «مجلس شورای اسلامی» و «مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان و علما...» از یکدیگر قابل تفکیک‌اند (ناظم‌الاسلام، ۱۳۶۲: ۱-۵۵۲، ۵۵۱-۵۵۸، ۵۶۴). به علاوه درمی‌یابیم که فرمان اول تأسیس مجلس که تاریخ آن ۱۴ جمادی‌الآخری (یا الآخره) بوده، با فرمان سوم که تاریخ واقعی آن ۱۸ جمادی‌الثانی بوده است (همان، ۶۵۴؛ ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۱۴۱) اما به دلیلی که به آن اشاره خواهیم کرد، با تاریخ ۱۴ جمادی‌الثانی ضبط گردیده است، از سوی کسانی چون کسروی، ملکزاده و تدوین‌کننده مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه خلط گردیده است. در حالی که دو فرمان اول و سوم به ترتیب دارای تاریخ ۱۴ جمادی‌الآخری- یا الآخره- و ۱۴ جمادی‌الثانی و در واقع ۱۸ جمادی‌الثانی- هم از نظر نام مجلس و هم از نظر تاریخ صدور فرمان متفاوت بوده‌اند؛ زیرا در فرمان اول، «مجلسی از منتخبین شاهزادگان و علما...» و در فرمان سوم «مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان و علما...» ذکر گردیده است و ماه قمری مندرج در پایان فرمان اول ۱۴ جمادی‌الآخری- یا الآخره- و در فرمان سوم ۱۴ جمادی‌الثانی آمده است. همچنین مقایسه متن دو فرمان مندرج در تاریخ بیداری ایرانیان آن دو را در برخی کلمات و عبارات متفاوت نشان می‌دهد. گذشته از اینها نویسنده تاریخ بیداری ایرانیان در توضیح دستخط ۱۸ جمادی‌الثانی به صراحت آورده است که: «تاریخ این دستخط در هیجدهم بوده، ولی محض اینکه مطابق باشد با روز تولد شاهنشاه، تاریخ آن را در چهاردهم نوشتند، کما لا یخفی» (ناظم‌الاسلام، ۱۳۶۲: ۵۶۴) و این ادعا با آنچه که ظهیرالدوله و سید احمد تفرشی در ذکر تاریخ آخرین دستخط فرمان مجلس آورده‌اند سازگاری دارد (ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۱۴۱؛ تفرشی، ۱۳۵۱: ۴۱).

بدین ترتیب آشکار می‌شود که دستخط‌های امضا شده مظفرالدین‌شاه درباره تشکیل مجلس که انتشار عمومی یافته است، شامل سه دستخط است که در تاریخ‌های ۱۴، ۱۶ و ۱۸ جمادی‌الثانی

صادر شده‌اند و انشای تاریخ آنها در متن فرمان به ترتیب شامل ۱۴ جمادى الاخرى، ۱۶ جمادى الثانیه و ۱۴ جمادى الثانی است و از آنجا که نخستین فرمان صادره مصادف با روز تولد شاه بوده، از باب احترام به مظفرالدین‌شاه، فرمان آخر نیز در عوض تاریخ ۱۸ جمادى الثانی، تاریخ ۱۴ جمادى الثانیه آورده شده است. نگارنده احتمال می‌دهد که امضاء کنندگان دستخط که موافق نام مجلس شورای ملی به جای مجلس شورای اسلامی بوده‌اند، برای حرمت‌گذاری و تجلیل از شاه، زیرکانه فرمان آخر را هم از نظر تاریخ و هم تا حدود زیادی از نظر انشاء، مشابه فرمان اول تنظیم نموده‌اند تا در حکم تفسیر فرمان اول و برتر از فرمان دوم (مجلس شورای اسلامی) تلقی شود.

به علاوه، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در منابع مربوط به عصر مشروطیت در ایران، علاوه بر این سه فرمان، از دو دستخط که یکی قبل از تاریخ ۱۴ جمادى الاخرى و دیگری هم‌زمان با فرمان آخر صادر گردیده یاد شده است. دستخط قبل از ۱۴ جمادى الاخرى به ادعای کتاب نارنجی تاریخ ۱۲ جمادى الثانی داشته و به امضای شاه نیز رسیده بود، اما انتشار نیافت و نسخ چاپ شده نیز معدوم شد. اما «مسیون روس موفق شده بود نسخه‌ای از آن را به دست آورد» (کتاب نارنجی، ۱۳۶۳: ۲۸/۱). دستخط هم‌زمان با فرمان ۱۸ جمادى الثانی را نیز ناظم الاسلام کرمانی در اثر خود آورده است. او از این که این دستخط به صدراعظم رسانده نشد تا به امضای شاه برسد، اظهار تأسف می‌کند؛ زیرا از دید او این دستخط بهتر از فرمان نهایی صادره درباره مجلس بود (ناظم الاسلام، ۱۳۶۲: ۵۶۸/۱). دستخط مزبور و نیز دستخط ۱۲ جمادى الثانی را با نام «دستخط پنجم و اول» و سه دستخط منتشر شده در ۱۴، ۱۶ و ۱۸ جمادى الثانی را **ذیل** فرمان‌های اول، دوم و سوم تشکیل مجلس...» در صفحات آینده خواهید خواند.

نگارنده با ملاحظه تفاوت انشای فرامین در منابع در مورد مشروطیت و تطابق نداشتن متن فرمان‌ها در این منابع تلاش نمود تا تصویری از سه فرمان یاد شده به دست آورد؛ اما با وجود کوششی که به عمل آورد؛ تنها تصویر - و نه اصل - فرمان آخر یعنی فرمان ۱۴ جمادى الثانیه - و در واقع ۱۸ جمادى الثانی - از طریق بخش اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی به دست آمد و این همان است که در کتاب *مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه و تاریخ استقرار مشروطیت در ایران* گراور شده است و در این مقاله متن مبنا در نظر گرفته شده است. ناظم الاسلام، کسروی، شیخ

مهدی شریف کاشانی و سید احمد تفرشی نیز این متن را در کتاب‌های خود به‌طور ناقص آورده‌اند که ذکر نواقص هر کدام از آنها ذیل متن مبنا قرار گرفته شده، خواهد آمد. متأسفانه اصل و یا تصویر دو فرمان دیگر در هیچ‌یک از مراکز اسنادی از جمله سازمان اسناد ملی ایران و بخش اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی به دست نیامد؛ بنابراین در ذکر متن فرمان اول (۱۴ جمادی‌الآخری)، کتاب ناظم‌الاسلام مبنا قرار داده شد؛ زیرا وی حوادث را به‌طور روزانه و یا نزدیک به حوادث می‌نگاشته است. به‌علاوه به‌طور مقایسه‌ای با دیگر منابع، متن فرمان غلط‌های کمتری دارد. کتاب‌های مخبرالسلطنه هدایت، ظهیرالدوله و کتاب نارنجی نیز در ذیل متن مبنا تطابق داده شده است.

در گزینش متن فرمان دوم (۱۶ جمادی‌الثانی) نیز تاریخ مشروطه ایران احمد کسروی به‌دلیل کمتر غلط داشتن آن مبنا قرار داده شده است و نوشته‌های ناظم‌الاسلام، ملکزاده، حسن معاصر و مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه با آن سنجیده شده است. اگرچه به نظر می‌رسد که برخی از اغلاط نگارشی، چاپی باشد، دلیل بخش عمده‌ای از تفاوت متن‌های فرامین را باید بی‌دقتی و عدم حساسیت نگارندگان به ضبط درست، دانست. گفتنی است، نگارنده تفصیل موردی خطاها و اغلاط نگارشی را به‌دست آورده و در نزد خود مضبوط دارد، اما به دلیل رعایت سقف اعلام شده صفحات مورد نظر مجله درباره مقاله فقط به تعداد این خطاها در هر مورد اشاره می‌نماید.

متن دستخط‌های ۱۲ و ۱۸ جمادی‌الثانی (دستخط اول و پنجم) و سه فرمان ۱۴ جمادی‌الآخری، ۱۶ جمادی‌الثانی و ۱۴ جمادی‌الثانی - و در واقع ۱۸ جمادی‌الثانی - همراه با توضیحات لازم را در صفحات بعد بنگرید.

۱-۱. دستخط ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۲۴

جناب اشرف صدراعظم

از آنجا که خداوند تبارک و تعالی سررشته امور رفاه و ترقی ایران را به ما سپرده و ما را حافظ حقوق قاطبه رعایای (فارسی) مان قرار داده است، لهذا صلاح دانستیم به خاطر رفاه و آرامش همه مردم ایران و نیز به منظور انجام تغییرات و اصلاحات لازم به صورت تدریجی و اساسی و به موقع در دوائر سیاسی و مملکتی ما، شورایی (مجلسی) مرکب از شاهزادگان، علما، اعیان و اشراف، مالکین، تجار و اصناف در پایتخت ما تهران تشکیل شود تا در موقع لازم کلیه امور سیاسی، مملکتی و اجتماعی را به دقت بررسی و شورای وزیران ما را، در اقداماتی که در جهت رفاه و ترقی ایران می باشد کمک کند. [و] احتیاجات مملکت توسط شخص اول دولت (صدراعظم) به عرض ما برسد. به شما امر می کنیم در اجرای این فرمان مهم ما، اساسنامه این شورا را تنظیم و دستورات لازم را صادر کنید تا با کمک خداوند در آینده نزدیک این شورا افتتاح شود و اصلاحات لازمه را شروع کند. همچنین مقرر می داریم که متن این فرمان برای اطلاع عموم انتشار یابد تا همه رعایای ما از مساعی خیرخواهانه مان که تنها در جهت توسعه و ترقی مملکت و ملت می باشد، آگاهی یافته و دعاگوی ما باشند.

در قصر صاحب قرانیه به تاریخ ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۲۴ (۱۳ اوت - ۱۱ مرداد) در سال یازدهم سلطنت ما (کتاب نارنجی، ۱۳۶۳: ۲۹/۱).

تاریخ بیداری ایرانیان (ناظم الاسلام، ۱۳۶۲: ۵۴۸/۱) و روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران (تفرشی، ۱۳۵۱: ۳۴) و خاطرات و اسناد ظهیرالدوله (۱۳۵۱: ۱۳۱) نیز از صدور دستخط در دوازدهم جمادی الثانی و آوردن آن به سفارت برای تجار و رد آن توسط کسبه و تجار یاد

۱. نگارنده احتمال می دهد که واژه (فارسی) کلمه ای توضیحی از سوی هارتویگ بوده باشد و در اصل سند مورد ادعای کاردار روس چنین واژه ای نبوده است چنانکه مشابه آن، دو واژه دیگر (مجلسی، صدراعظم) نیز به عنوان توضیح در پراکنش آمده اند. این احتمال نیز هست که هارتویگ واژه را به خطا خوانده باشد.

کرده‌اند، ولی از آوردن متن فرمان خودداری کرده‌اند. آنچه هم که از محتوای دستخط به‌دست داده‌اند با یکدیگر تطابق کامل ندارد و تفاوت‌هایی را نیز با آنچه در کتاب نارنجی آمده است نشان می‌دهد. تفرشی از امنیت دادن به تجار و تشکیل معدلت‌خانه دولتی در این دستخط خبر داده است و اینکه تاجران خواهان صدور دستخط مشورت‌خانه ملی شده‌اند و به همین دلیل آن را رد کرده‌اند. ناظم الاسلام نیز از دو ایراد وارده بر این دستخط یاد کرده است؛ یکی تشکیل مجلس در تهران و نه در دیگر بلاد ایران و دیگر آنکه در قضایا بعد از مشاورت اعضا و حکم مجلس و تصدیق وزرای دربار اگر اعلیحضرت پادشاه ایران امضاء فرمود، آن حکم اجرا خواهد شد و سمت رسمیت را حاصل خواهد نمود؛ والا تجار و کسبه گفتند ما چنین مجلسی لازم نداریم؛ مجلس باید حاکم مطلق باشد. ظهیرالدوله نیز ایرادهای دستخط را پذیرش دخالت دولت در انتخابات و تصریح نکردن بر «بی‌اختیار بودن شخص سلطان در حقوق مردم و رسوم مملکت» و «نامحدود بودن حدود مجلس» دانسته است.

۲-۱. فرمان ۱۴ جمادی الاخری (یا الآخره) (نخستین فرمان تشکیل مجلس)

جناب اشرف صدراعظم؛

از آن جایی که حضرت باری تعالی جل شأنه، سررشته ترقی و سعادت مملکت محروسه ایران را به کف کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی و رعایای صدیق خودمان قرار داده، در این موقع که رأی همایون ملوکانه ما بدان تعلق گرفته که برای رفاهیت و آسودگی قاطبه اهالی ایران و تأیید مبانی دولت، اصلاحات مقتضیه به مرور در دوایر دولتی و مملکتی^۱ به موقع اجرا گذارده شود، چنان مصمم شدیم که مجلسی از منتخبین شاهزادگان، علما، قاجاریه، اعیان، اشراف، ملاکین و تجار و اصناف به انتخاب^۲ طبقات مرقومه، در دارالخلافه طهران تشکیل و تنظیم شود که در موارد لازمه در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازمه

۱. اصل: مملکت

۲. اصل: و منتخبات طبقات مرقومه

را به عمل آورده و به هیئت وزرای ما در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنمایند و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خودشان را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات مهمه قاطبه اهالی مملکت به توسط شخص اول دولت به عرض برسانند که به صحنه مبارکه موشح و به موقع اجراء گذارده شود. بدیهی است که به موجب این دستخط مبارک نظامنامه و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را مرتب و مهیا خواهید نمود که بعون الله تعالی این مجلس افتتاح و به اصلاحات لازمه شروع شود و نیز مقرری فرماییم که سواد دستخط مبارک را اعلان و اعلام نمایید که تا قاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماماً راجع به ترقی دولت و ملت ایران است، کمابینگی مطلع و مرفه الحال مشغول دعاگویی باشند.

در قصر صاحبقرانیه به تاریخ چهاردهم جمادی الاخری ۱۳۲۴ در سال یازدهم سلطنت ما (ناظم الاسلام، ۱۳۶۲: ۲/۱-۵۵۱).

ناظم الاسلام اصل دستخط شاه و نیز متن مطابقت داده شده با آن را که در **مطبعة** شاهنشاهی به طبع رسیده است در تاریخ بیداری ایرانیان آورده است. مقایسه دو متن متأسفانه نشان می دهد که نسخه مطابقت داده شده با اصل در مواردی چند با اصل مطابقت ندارد (ناظم الاسلام، ۱۳۶۲: ۲-۵۵۱ و ۴-۵۵۳)؛ برای نمونه، تاریخ فرمان در نسخه اصل «جمادی الاخری» و در متن مطابقت شده «جمادی الاخره» آورده شده است. به علاوه برخی کلمات و عبارات آنها با یکدیگر تفاوت دارند.

این فرمان در کتاب های **مخبر السلطنه** هدایت؛ گزارش ایران، خاطرات و خطرات، کتاب نارنجی و **خاطرات ظهیرالدوله** نیز آمده است. در کتاب **گزارش ایران** در مجموع ۱۷ مورد افتادگی مطلب یا خطای نگارشی وجود دارد. **مخبر السلطنه** در کتاب **خاطرات و خطرات** خود نیز با نگارش کمتر از چهار سطر از فرمان که آغاز و انجام آن افتاده است، نشان داده است که قصد نوشتن کامل فرمان را نداشته است، اما در همین سطور نگاشته شده نیز دو مورد تفاوت نگارش در املائی کلمات و سه مورد افتادگی کلمه وجود دارد.

در متن کتاب نارنجی نیز ده مورد تفاوت در نگارش انشای مطلب نسبت به متن برگزیده در مقاله وجود دارد. متن مندرج در **خاطرات** و اسناد **ظهیرالدوله** نیز ۱۳ مورد خطای نگارشی را در برمی گیرد.

۳-۱. فرمان ۱۶ جمادی الثانی (فرمان دوم-فرمان مجلس شورای اسلامی)

جناب اشرف صدر اعظم؛

در تکمیل دستخط سابق خودمان، مورخه ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ که امر و فرمان صریحاً در تأسیس مجلس منتخبین ملت فرموده بودیم، مجدداً برای آنکه عموم اهالی و افراد ملت از توجهات کامله همایون^۱ ما واقف باشند، امر و مقرر می‌داریم که مجلس مزبور را به شرح دستخط سابق صریحاً دایر نموده، بعد از انتخاب اجزای مجلس فصول و شرایط نظام **مجلس شورای اسلامی** را موافق تصویب و امضای منتخبین به طوری که شایسته ملت و مملکت و قوانین شرع مقدس باشد، مرتب نمایند که به شرف عرض و امضای همایونی ما موشح و مطابق نظام‌نامه مزبور این مقصود مقدس صورت و انجام پذیرد. (کسروی، ۱۳۵۷: ۱/۱۲۰).

در متن نگاشته شده در تاریخ بیداری ایرانیان (ناظم الاسلام، ۱۳۶۳: ۱/۵۵۸) هشت مورد تفاوت با متن مبنا قرار داده شده به دیده می‌رسد. «مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه» فقط یک تفاوت را با متن مبنا نشان می‌دهد. متن نوشته شده حسن معاصر (ص ۱۰۰) نیز در ۵ مورد با متن مبنا قرار داده شده متفاوت است. متن فراهم آمده در تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (ملکزاده، ۱۳۶۳: ۳۷۹-۳۸۰) نیز حکایت از ۴ تفاوت دارد.

۴-۱. فرمان ۱۴ جمادی الثانیه (فرمان سوم؛ فرمان مجلس شورای ملی، ۱۸

جمادی الثانی ۱۳۲۴)

جناب اشرف صدر اعظم؛

از آن جا که حضرت باری تعالی جل‌شأنه سررشته ترقی و سعادت ممالک محروسه ایران را به کف کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی ایران و رعایای صدیق خودمان قرار داده، لهذا در این موقع که رأی و اراده همایون ما بدان تعلق گرفت که برای رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران و تشیید و تأیید مبانی دولت، اصلاحات مقتضیه به مرور در دوایر دولتی و

مملکتی به موقع اجرا گذارده شود، چنان مصمم شدیم که **مجلس شورای ملی** از منتخبین شاهزادگان، علما، قاجاریه، اعیان، اشراف، ملاکین و تجار و اصناف، به انتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافه طهران تشکیل و تنظیم شود که در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازم را به عمل آورده و به هیأت وزرای دولتخواه ما در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنماید و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات قاطبه اهالی مملکت توسط شخص اول دولت به عرض برساند که به صحنه همایونی موشح و به موقع اجرا گذارده شود. بدیهی است که به موجب این دستخط مبارک نظامنامه و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را موافق تصویب و امضای منتخبین از این تاریخ مرتب و مهیا خواهد نمود که به صحنه ملوکانه رسیده و بعون الله تعالی مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل ماست، افتتاح و به اصلاحات لازمه امور مملکت و اجرای قوانین شرع مقدس شروع نماید و نیز مقرر می‌داریم که سواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نماید تا قاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماماً راجع به ترقی دولت و ملت ایران است، کامیابی مطلع و مرفه‌الحال مشغول دعاگویی دوام این دولت و این نعمت بی‌زوال باشند.

در قصر صاحبقرانیه به تاریخ چهاردهم ۱۴ شهرجمادی‌الثانیه، ۱۳۲۴ هجری در سال یازدهم سلطنت ما (مذاکرات دوره اول تقنینیه مجلس، ۱۳۲۵: ۲؛ معاصر، ۱۳۵۳: ۱۰۰).

منابع دیگری که فرمان سوم را آورده‌اند، عبارت‌اند از: *تاریخ بیداری ایرانیان* (ناظم‌الاسلام، ۱۳۶۲: ۵۶۴/۱)، *واقعات اتفاقیه در روزگار* (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۶/۱-۸۵)، *مقدمات مشروطیت* (محیط مافی، ۱۳۶۳: ۷-۱۳۶)، «روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران» (تفرشی، ۱۳۵۱: ۴۳-۴۴) و *تاریخ مشروطه ایران* (کسروی، ۱۳۵۷، ۲۰/۱-۱۱۹).

نوشته ناظم‌الاسلام نسبت به متن مبنا قرار داده شده ۳۴ کلمه جا افتادگی و ۱۶ مورد خطای نگارشی دارد. *واقعات اتفاقیه در روزگار* (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۶/۱-۸۵) دو کلمه خطای نگارشی و سه مورد جا افتادگی را نشان می‌دهد. *مقدمات مشروطیت* (محیط مافی، ۱۳۶۳: ۱۳۶-۱۳۷) ۱۶ مورد خطای ثبت لغات دارد. *روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران* (تفرشی، ۱۳۵۱:

۴۳-۴۴) ۲۰ مورد کلمه جا افتاده و ۳۷ مورد خطای نگارشی دارد. تاریخ مشروطه ایران کسروی نیز دو مورد تفاوت را نشان می‌دهد.

۵-۱. دستخط پنجم راجع به مجلس

محض دوام دولت و بقای سلطنت و قوام هیئت اجتماعی ملت، تأسیس مجلس شورای ملی که عبارت از مجلس تنظیمات و مرکب از وکلاء منتخبین ملت و رجال با سیاست امین دولت به حیثیتی که حاکم باشد بر جمیع دوایر دولتی و امورات مملکتی و تمام ادارات لشکری و کشوری؛ از قبیل اداره معارف و وزارت تجارت و فلاح و صنعت و معادن و شوارع و طرق و اداره نظمیه و هیئت نظام عسکری و اداره مالیه و وزارت عدلیه، با شمول منتخبین قصبات و ولایات بعیده در هیئت انجمن شورای ملی مقرر فرمودیم و باید شعب وزارت عدلیه به قانون جدید در جمیع ولایات حاکم‌نشین دایر و تأسیس و برقرار شود و در تمام بلاد و قری، کلیه مطالب غامضه سیاسیه رجوع به انجمن شورای ملی مرکزی شود و در امورات جزئی داخلی به همان شعبات وزارت عدلیه که در ولایات حاکم‌نشین قائم است فیصل دهند و باید احکام مبحث در مجلس شورای ملی، بنا بر قاعده اکثریت آرا مردود و مقبول افتد و به‌توسط یکی از اعضای منتخب مجلس شورا به حضور مبارک مرور و البته مجری شود و باید این دستخط صادره را سفرای دول متمدنه تصدیق نمایند (ناظم الاسلام، ۱۳۶۲: ۵۶۸/۱).

از آنچه که در صفحات گذشته خواندیم، چنین برمی‌آید که منابع عصر مشروطیت و نیز کتب تحقیقی منتشر شده درباره فرمان‌های سه‌گانه تشکیل مجلس را که به ترتیب در تاریخ‌های ۱۴، ۱۶ و ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ هـ ق به امضای مظفرالدین‌شاه رسیده است، به چند دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. کتاب‌هایی که فقط متن فرمان اول (۱۴ جمادی‌الآخری) را نگاشته‌اند. این منابع شامل کتاب‌های *خاطرات و خطرات* (مخبرالسلطنه هدایت، ۱۳۶۲: ۱۴۱)، *گزارش ایران* (مخبرالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۷۳)، *کتاب نارنجی* (۱۳۶۷: ۲۹-۳۰) و *خاطرات و اسناد ظهیرالدوله* (۱۳۵۱: ۱۲۸-۱۲۹) هستند، این کتاب‌ها علاوه بر آنکه به فرمان‌های دوم و سوم اشاره‌ای نکرده‌اند، متن فرمان اول را

نیز با خطاهای نگارشی، افتادگی مطلب و نیز تفاوت متن ضبط کرده‌اند که به موارد آن در صفحات گذشته اشاره شده است.

۲. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (ملکزاده، ۱۳۶۳: ۸۰/۲-۳۷۹) که فقط متن فرمان دوم را آورده است، اما به فرمان ۱۴ جمادی‌الآخری به عنوان «فرمان مشروطیت» نیز اشاره کرده است و از دستور سران متحصنین در سفارت انگلیس در تهران به مردم، مبنی بر کندن فرمان مشروطیت از دیوارهای شهر یاد کرده است (همان، ۳۷۹).

۳. منابعی که فقط متن فرمان سوم را آورده‌اند: *واقعات و اتفاقیه در روزگار* (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۸۵-۶/۱) *مقدمات مشروطیت* (محیط مافی، ۱۳۶۳: ۱۳۶-۱۳۷) و *روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران* (تفرشی، ۱۳۵۱: ۴۳-۴۴) از این قبیل‌اند. در این میان، کاشانی که در کبرسن به نگارش خاطرات خود پرداخته است، در توضیح فرمان سوم - که فرمان نهایی درباره تعیین نوع مجلس است و در تاریخ ۱۸ جمادی‌الثانی به امضای مظفردالدین‌شاه رسیده است - آن را به خطا فرمان ۱۴ جمادی‌الثانی دانسته است (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۸۵). محیط مافی صدور دستخط مشروطیت و دستخط تشکیل مجلس شورای ملی را یکی دانسته (محیط مافی: ۱۳۶۳: ۱۳۳) و در حالی که به درستی در صفحه ۱۳۲ کتاب خود به عزل عین‌الدوله قبل از صدور نخستین فرمان اشاره کرده است، در چهار صفحه بعد، رئیس‌الوزراء شدن مشیرالدوله و عزل عین‌الدوله را پس از دستخط مشروطیت بیان کرده است. به خطاهای او در نگارش متن فرمان نیز در صفحات گذشته اشاره شد. داده‌های دیگری از این منبع چون حرکت علاءالدوله به قم به برای بردن دستخط نزد مهاجرین و حرکت علما از قم دو سه روز پس از صدور دستخط تشکیل مجلس شورای ملی (همان، ۱۳۳) نیز با منابعی که حوادث را به روز می‌نگاشته‌اند، ناسازگار است (تفرشی، ۱۳۵۱: ۳۳، ۴۲ و ۴۷؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲: ۵۷۰/۱، ۵۶۸ و ۵۵۳). تفرشی نیز علاوه بر آوردن غلط‌های متن فرمان که در صفحات گذشته به آن پرداخته شد، به دستخط‌های ۱۲، ۱۴ و ۱۶ جمادی‌الثانی نیز پرداخته است و سبب و انهاده شدن آنها را نیز توضیح داده است (همان، ۳۴، ۳۶ و ۴۰).

۴. منابعی که متن دو فرمان - دوم و سوم - را به دست داده‌اند. این منابع شامل: مذاکرات مجلس در دوره اول تقنینیه (ص ۲ و ۵)، *تاریخ مشروطه ایران* (۱۱۹-۲۰۰) و *تاریخ استقرار مشروطیت*

در ایران (ص ۱۰۰) هستند. دو مأخذ نخستین، فرمان سوم را به خطا قبل از فرمان دوم آورده‌اند و پنداشته‌اند، فرمان سوم که تاریخ ۱۴ جمادی‌الثانی در پایان آن آمده است، در همان روز چهاردهم صادر شده است؛ در حالی که این فرمان در ۱۸ جمادی‌الثانی صادر شده اما به احترام زادروز شاه همان تاریخ فرمان اول بر آن نهاده شده است. شاید گردآورنده مذاکرات مجلس متأثر از کسروی به تنظیم تقدم و تاخر فرمان‌ها پرداخته باشد؛ به‌خصوص که چاپ مستقل مذاکرات مدتی پس از قتل کسروی در ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ توسط فدائیان اسلام (خوش‌نیت، ۱۳۶۰: ۲۳-۲۵؛ گل محمدی، ۱۳۸۲: ۳۰-۳۸/۱ و ۷۱۴/۲) صورت گرفته است. اما در منبع نخست متن فرمان سوم که مشتمل بر تشکیل مجلس شورای ملی است، با مهر و امضای مظفرالدین‌شاه گراور شده است و از این جهت اطمینان بیشتری به خواننده در صحت صدور آن می‌بخشد. مأخذ سوم یاد شده نیز اگرچه گراور فرمان سوم را پس از فرمان دوم آورده است، در توضیحی در زیر گراور، این فرمان را که ۱۸ جمادی‌الثانی صادر شده است، نخستین فرمان دانسته است. به‌علاوه چنانچه در صفحات گذشته ذکر شد، افزوده‌هایی بر فرمان دوم آورده است و تاریخ فرمان دوم را که مشتمل بر تشکیل مجلس شورای اسلامی است، به خطا ۱۷ جمادی‌الثانی دانسته است و نه ۱۶ جمادی‌الثانی. همین منبع در گزارش شماره ۲۰۶ محرمانه خود به تاریخ ۱۳ اوت ۱۹۰۶ به امضای ایولین گرانٹ داف، شارژدافر انگلیس در تهران، فرمان صادره در روز یکشنبه ۱۴ جمادی‌الآخری را مشتمل بر تشکیل مجلس شورای ملی دانسته است. در حالی که در فرمان ۱۴ جمادی‌الآخری از نام مجلس به عنوان شورای ملی یاد نشده است و مجلسی است بی‌نام از منتخبین اقبشار مختلف. او همچنین برخلاف گزارش‌های روزانه ناظم‌الاسلام و تفرشی که بر پاره شدن فرمان اول توسط مردم اشاره دارند، از کندن و پاره کردن فرمان دوم (مجلس شورای اسلامی) سخن گفته است.

۵. تاریخ بیداری ایرانیان تنها منبعی است که متن هر سه فرمان را آورده است، ولی چنانچه در صفحات گذشته اشاره شد، فقط متن فرمان اول در این منبع از دقت ضبط بیشتری نسبت به دیگر منابع برخوردار است، اما دو فرمان دیگر در دیگر منابع مشروطه مضبوط‌تر است.

۶. منابعی که متن هیچ فرمانی را نیاورده‌اند اما به صدور فرمان و یا تشکیل مجلس پرداخته‌اند. از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

حیات یحیی فقط از تشکیل مجلس شورای ملی یاد کرده است (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۸۱/۲-۷۹). این منبع نه فقط متن هیچ فرمانی را نیاورده است، بلکه از صدور این فرامین نیز سخن نرانده است. ادوارد براون که کتاب *انقلاب مشروطیت ایران* را به سال ۱۹۱۰؛ یعنی چهارسال پس از پیروزی انقلاب مشروطیت به پایان برده است، بی‌آنکه اشاره‌ای بنام مجلس داشته باشد، روز فرمان پنجم اوت برابر ۱۴ جمادی‌الآخری را روز تن دادن مظفرالدین‌شاه به تمام خواسته‌های بست‌نشینان دانسته است (براون، ۱۳۶۷: ۱۲۵) و این همان روزی است که فرمان نخست تشکیل مجلس صادر شده است. براون که خود را به شدت طرفدار اقدامات استقلال‌طلبانه ایرانیان وانمود می‌کند، میان «مشروطه‌خواهی» و «ملی‌گرایی» در ایران فرقی نمی‌نهد (همان، ۱۹-۱۸)؛ به همین دلیل تلقی کلی او از فرمان مجلس، «ملی» بودن آن است. او که به تصریح خود در زمان انقلاب مشروطیت در ایران نبوده است (همان، ۱۹)، روشن است که نمی‌توانسته است از راه دور بر دقایق امور متفطن باشد. او در سال ۱۸۸۸ میلادی پس از یک‌سال اقامت در ایران به انگلستان بازگشته بود و تا آخر عمر (۱۹۲۶م) در سمت دانشیار فارسی دانشگاه کمبریج و سپس استاد کرسی عربی این دانشگاه در این شهر به سر می‌برده است (براون، ۱۳۶۱: ۱۰-۱۱) و اخبار مشروطیت ایران را از طریق دوستان خود که از عاملان انقلاب بوده‌اند شنیده است و یا از ایرانیان مقیم بریتانیا چون شیخ حسن تبریزی و میرزا محمد قزوینی در نوشته خود سود جسته است (همان، ۲۰).

کتاب ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، از صدور دو دستخط «مجلس اسلامی» و «مجلس شواری ملی» یاد کرده است (آدمیت، ۲۵۳۵: ۱۷۱)، اما همچون براون فرمان مجلس شورای ملی را صادره ۵ اوت ۱۹۰۶ م برابر چهاردهم جمادی‌الثانی دانسته است و در سخن از دستخط مجلس شورای اسلامی با ذکر بخشی از نامه وکیل‌الدوله به معاضدالسلطنه پیرنیا آورده است:

«دستخط مبارک دایر به ایجاد مجلس که شرف صدور یافته بود، در آنجا به اسم مجلس اسلامی قید شده بود، مردم قبول نکردند و استدعا کردند که باید مجلس ملی باشد. ما کاری با مذهب نداریم و همین‌طور دستخط صادر شد.» (همان، ۱۷۱).

آدمیت این عدم پذیرش مردمی را با استناد به نوشته مخبرالسلطنه هدایت در «گزارش ایران» مسبوق به سابقه انتشار اوراقی در شهر قلمداد می‌کند که در آنها بیان شده بود که «ما مشروعه

نمی‌خواهیم». رجوع به کتاب گزارش ایران به روشنی نشان می‌دهد که سخن از مشروعه‌خواهی نه در زمان صدور فرامین مربوط به تشکیل مجلس، بلکه پس از مرگ مظفّرالدین‌شاه و آن‌گاه مطرح شد که عده‌ای پس از تشکیل مجلس از هویت نظام سیاسی کشور سخن به میان آوردند و دو عنوان «مشروطه» و «مشروطه مشروعه» محل بحث دست‌اندرکاران سیاست و محمدعلی شاه قرار گرفت و به دستخط ۲۷ ذی‌الحجه ۱۳۲۴ محمدعلی شاه منجر گشت که در آن بر مشروطه (کنستی توسیون) بودن نظام کشور تصریح شد (مخبرالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۷۸-۱۸۴). به علاوه، به استناد نوشته کسانی که حوادث را به‌طور روزانه یادداشت می‌کرده‌اند، فرمان رد شده توسط مردم فرمان اول یعنی فرمانی است که بر نام مجلس تصریح نشده بود (تفرشی؛ ۱۳۵۱؛ ۳۶، ناظم‌الاسلام، ۱۳۶۲: ۱/۵۵۳) و نه فرمان «مجلس شورای اسلامی». اما آدمیت که پیش‌داورانه تلاش در برجسته کردن نقش ملیون و تحصیل‌کردگان جدید در انقلاب مشروطیت دارد (آدمیت، ۲۵۳۵: ۱۶۶-۱۷۳)، فرمان‌کننده شده را فرمان تشکیل مجلس شورای اسلامی دانسته است.

کتاب آبی چنان که پیش‌تر بیان شد، از دستخط‌های مجمل و مبهم شاه و متقاعد نشدن روسای متحصنین یاد کرده است و آخرین فرمان را «در خصوص تأسیس مجلس مبعوثان و انتخاب وکلای ملت» دانسته است. حاج سیاح نیز از صدور فرمان مشروطیت در چهاردهم جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ یاد کرده است (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۵۶۱) و سرانجام عبدالله مستوفی از صدور فرمان مشروطیت در تاریخ ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۳۲۴ برابر با ۱۴ اسد ۱۲۸۵ که روز جشن ولادت شاه بوده است، یاد کرده است (مستوفی، ۱۳۶۰: ۱۶۳/۲)، اما تاریخ یاد شده زمان صدور فرمان اول است و برابر ۱۳ اسد (مرداد) بوده است نه ۱۴ اسد.

نتیجه گیری

از بررسی‌ها نتیجه‌گیری می‌شود که صدور چهار دستخط از سوی مظفردالدین‌شاه در موضوع تشکیل مجلس قطعی است. از این چهار دستخط، دستخط نخست که تاریخ ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ داشته است، با اعتراض‌های به‌عمل آمده به مندرجات آن، صورت انتشار عمومی نیافته است، اما سه دستخط دیگر که با نام فرمان‌های سه‌گانه در مقاله از آنها یاد شده است، به ترتیب در تاریخ‌های ۱۴، ۱۶ و ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ صادر شده‌اند. نخستین این فرمان‌های سه‌گانه بر «تشکیل مجلسی از متخبین...» دلالت دارد. فرمان دوم نام مجلس را «مجلس شورای اسلامی» ذکر کرده است و در فرمان سوم، مجلس به نام «مجلس شورای ملی» نامیده شده است.

از میان این فرامین، فقط فرمان نهایی تشکیل مجلس - که مشتمل بر نام مجلس شورای ملی است و گراور آن در دو کتاب «مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه» و «تاریخ استقرار مشروطیت در ایران» آمده است - می‌تواند به عنوان متن مستند و اطمینان‌بخش باشد، اما دو فرمان دیگر که تاکنون اصل فرمان و یا تصویر آنها در اختیار نیست، از نظر اتقان مندرجات همچنان با دیده تردید نگریسته خواهند شد و ضرورت دارد که ارباب تحقیق و دست‌اندرکاران فرهنگی و علاقه‌مندان به تاریخ این مرز و بوم به جست‌وجو در یافتن اصل و یا تصویر این فرامین بکوشند؛ بدین ترتیب یکی از علل آشفتگی منابع در نگارش فرامین تشکیل مجلس، دسترسی نداشتن برخی از نویسندگان فرامین به اصل یا تصویر این فرامین بوده است و به ناگزیر از روی نسخ چاپی فرامین، که با اغلاط آمیخته بوده‌اند، مبادرت به درج آن در کتاب خود نموده‌اند. روشن است که برخی از نویسندگان، به‌خصوص آن دسته که در عهد نهضت مشروطیت به‌سر می‌بردند و گاهی مبادرت به نگارش روزانه خاطرات خود و جمع‌آوری اسناد می‌کردند، به فرمان‌ها نیز دسترسی داشتند، اما همان‌طور که در فرض سوم نگارنده در آغاز مقاله آمده است، از آنجا که به اهمیت ثبت و ضبط دقیق اسناد آگاه نبودند، در نگارش مضبوط فرامین کوتاهی کردند.

بی‌تردید، کسانی مانند ناظم‌الاسلام کرمانی و شیخ مهدی شریف کاشانی که اولی از اصحاب سید محمد طباطبایی و دومی محرر سید عبدالله بهبهانی بوده است از این قبیل‌اند. تفرشی اگرچه چندان شناخته شده نیست، با توجه به وقایع‌نگاری روزانه حوادث می‌توانست با دقت بیشتری به

ثبت اسناد بپردازد. مهم‌تر از همه ظهیرالدوله است که خود بر دریافت تلگرافی دستخط تصریح دارد؛ بنابراین چه دلیلی جز عدم تظن به اهمیت نگارش دقیق اسناد تاریخی می‌تواند عامل خطا نگاشتن فرمان در کتاب او باشد؟ به نظر می‌رسد بی‌توجهی به اهمیت ضبط دقیق اسناد، به‌جز یک نفر، وجه مشترک همه نویسندگانی باشد که در مقاله، از کتاب‌های آنها یاد شده است. نداشتن بصیرت تاریخی و نگاه غیرعالمانه و غیر روشمندانه به تاریخ، یکی از آفات را که نصیب نسل‌های بعد می‌نماید، محروم شدن از دریافت دقیق حوادث و اسناد گذشته است. چنان که حتی حسن معاصر که به استخراج اسناد از وزارت خارجه انگلیس مبادرت کرده است، از آنجا که تحصیل کرده رشته حقوق (باستانی پاریزی، ۱۳۸۴: ۹) و فاقد دغدغه‌های علمی عالم تاریخ بوده است، افزوده‌ها و یا کاستی‌هایی را در اسناد روا داشته است و یا نتوانسته است اسناد آشفته را بازشناسی کند. کسروی نیز چون او در کار قضایی بوده است؛ از این رو با وجود علائق وافر تاریخی، از اعمال دقت‌های لازم در تاریخ‌نگاری خود در عهد مشروطیت بازمانده است؛ اگرچه او از آفت نگارش تاریخ براساس پیش‌داوری نیز به‌دور نبوده است. ملکزاده که در آغاز نوشته‌اش درباره انقلاب مشروطیت، به‌روشنی بر اهمیت تاریخ تأکید کرده است، به‌واسطه تحصیلات پزشکی و ضعف دیدگاه علمی در تاریخ، از فرمان اول تشکیل مجلس به فرمانی که «نامی از توده ملت در آن برده نشده» (ص ۳۷۹) یاد کرده است و در فهرست درخواست‌های پنجگانه متحصنین در سفارت انگلیس به سادگی تقاضای «افتتاح دارالشورا» را به «افتتاح مجلس شورای ملی» تغییر داده است (ص ۳۷۶ مقایسه شود با: کسروی، ۱۳۵۷: ۱۱۳).

در این میان تنها کسی که به لحاظ پیشینه علمی انتظار می‌رفت در تحقیق تاریخی خود بر تفکیک فرامین و نیز بیان و توضیح محتوای آنها بکوشد، فریدون آدمیت است. اما او بر اساس داده‌هایش در کتاب «ایدئولوژی مشروطیت» به‌نظر می‌رسد بیشتر درصدد اثبات باورهای خود بوده تا سنجش آن باورها با داده‌های تاریخی و طبیعی است که از تاریخ‌نویسی عینکی - غیرآینه‌ای - مبتنی بر پیش‌داوری، نباید انتظار حاصلی بی‌طرفانه داشت. البته برخی نیز روش کارشان ارائه یک تاریخ دقیق و با ذکر جزئیات نبوده است. کتاب‌های خاطرات از این قبیل‌اند؛ بنابراین کسی چون مخبرالسلطنه هدایت که در بطن حوادث نیز بوده است، با ذکر بخش‌هایی از فرمان اول که بر

اعطای مشروطیت دلالت دارد، نه تنها ضرورتی در نگارش دیگر فرمان‌ها ندیده است، بلکه فرمان نخست را نیز در هر دو اثر خود به‌طور ناقص آورده است؛ طبیعی است که خطانگاری در مورد خاطره‌نویسانی دیگر که خود در متن حوادث نبوده‌اند یا با فاصله زمانی زیادی از حوادث مبادرت به نگارش خاطرات خود کرده‌اند، بیشتر رخ دهد. چنان که مستوفی پس از آنکه از صدور فرمان مشروطیت یاد کرده است، خود اعتراف می‌کند که:

«من تردید ندارم که شرحی که در اینجا می‌نویسم بسیار ناقص و شاید در پاره‌ای از موارد مخالفت‌های جزئی هم با واقع داشته باشد؛ زیرا من در این اوقات در تهران نبوده و آنچه فعلاً می‌نویسم، چیزهایی است که مکاتبات برادرم در خاطر من گذاشته است (مستوفی، ۱۳۶۰: ۱۶۳/۲).

نگارنده تردید ندارد که برخی از نویسندگان نیز به‌واسطه آنکه گفتمان مسلط سیاسی و فرهنگی جامعه ایران پس از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، گفتمانی ملی‌گرایانه بوده است، ضرورتی به تفکیک فرامین و توضیح تفکیکی آنها ندیده‌اند و حتی فردی چون ادوارد براون که از دور اطلاعات حوادث ایران را تعقیب می‌کرده، مشروطه را با ملی‌گرایی یکی دانسته است (براون، ۱۳۷۶: ۱۷-۱۸). او خود تصریح می‌کند که اگر اصلاحاتی که مردم به مدد روحانیون در راه کسب آن جنگیده‌اند تحقق یابد، تقریباً تمامی اقتدار روحانیون از بین خواهد رفت (همان، ۱۲۸). ملکزاده نیز تحت تأثیر همین گفتمان است که درخواست «افتتاح دارالشورا» را به افتتاح «مجلس شورای ملی» تغییر می‌دهد (ملکزاده، ۱۳۶۳: ۳۷۶؛ مقایسه شود با: کسروی، ۱۳۵۹: ۱۱۳/۱).

بنابراین از مجموعه کتبی که در مورد مشروطیت نوشته شده است و می‌توان آنها را به منابع اسنادی، خاطرات، روزانه نگاری و کتب تحقیقی تقسیم کرد، نداشتن تخصص تاریخی، بی‌دقتی در ضبط و ثبت اسناد، تحت تأثیر گفتمان مسلط فرهنگی و سیاسی قرار گرفتن و گاهی در اختیار نداشتن اصل یا تصویر فرمان‌ها از سوی نویسندگان منابع اسنادی، خاطرات و روزانه‌نگاری موجب نگارش مغشوش فرمان‌های تشکیل مجلس در آثار آنها شده است. در منابع تاریخی تحقیقی درباره مشروطیت نیز یکی از آفت‌ها مبتلا شدن نویسندگان به آفت پیش‌داوری و تاریخ‌عینگی - و نه آینه‌ای - نگاشتن است. البته خطاهای چاپی کتب و اشتباه خوانی حروف چینی را نیز باید به این مجموعه افزود.

منابع

- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۵). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*. تهران: انتشارات پیام. چ ۱.
- ادوارد، براون. (۱۳۷۶). *انقلاب مشروطیت ایران*. ترجمه مه‌ری قزوینی، انتشارات کوی‌ر: تهران. چ ۱.
- ████████████████████. (۱۳۶۱). *نامه‌هایی از تبریز*. ترجمه حسن جوادی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- چ ۲.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۴). *مقدمه روزنامه کوکب دری*. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه. چ ۱.
- تفرشی، سید احمد. (۱۳۵۱). *روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران*. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حاج سیاح. (۱۳۵۹). *خاطرات حاج سیاح*. به کوشش حمید سیاح و به تصحیح سیف‌الله گلکار. تهران: انتشارات امیرکبیر. چ ۳.
- خوش نیت، سید حسین. (۱۳۶۰). *نواب صفوی، اندیشه‌ها، مبارزات و شهادت او*. تهران: انتشارات منشور برادری.
- رابینو، لویی. (۱۳۶۳). *دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس*. چ ۱. ترجمه غلامحسین میرزاصالح. تهران: نشر تاریخ ایران.
- دولت آبادی، یحیی. (۱۳۶۲). *حیات یحیی*. چ ۲. چ ۴. تهران: انتشارات فردوسی.
- *سیاستگذاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران*. (بی‌تا). تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- شریف کاشانی، محمد مهدی. (۱۳۶۲). *واقعات اتفاقیه در روزگار*. چ ۱. چ ۱. به کوشش منصوره اتحادیه. (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران.
- صفا علی شاه. (ظهیرالدوله). (۱۳۵۱). *خاطرات و اسناد ظهیرالدوله*. چ ۱. به کوشش ایرج افشار. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.

- کتاب آبی. (گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران). (۱۳۶۳). به کوشش احمد بشیری. ج ۱. چ ۲. تهران: نشر نو.
- کتاب نارنجی. (گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری در باب انقلاب مشروطه ایران). ج ۱. چ ۲. (۱۳۶۷). به کوشش احمد بشیری. تهران: نشر نو.
- کسروی، سید احمد. (۲۵۳۷). تاریخ مشروطه ایران. ج ۱. چ ۱۴. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۲). جمعیت فدائیان اسلام به روایت اسناد. ج ۱ و ۲. چ ۱. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محیط مافی، هاشم. (۱۳۶۳). مقدمات مشروطیت. به کوشش مجید تفرشی - جواد جان فدا. ج ۱. چ ۱. تهران: انتشارات فردوسی - انتشارات علمی.
- مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه. خرداد - مرداد ۱۳۲۵ ش. تهران: چاپخانه مجلس.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۶۰). تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. ج ۲. چ ۳. تهران: کتابفروشی زوار.
- معاصر، حسن. (۱۳۵۳). تاریخ استقرار مشروطیت در ایران مستخرجه از اسناد محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان. ج ۱. چ ۱. تهران: انتشارات ابن سینا.
- ملکزاده، مهدی. (۱۳۶۳). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. کتاب دوم. چ ۲. تهران: انتشارات علمی.
- ناظم الاسلام کرمانی. (۱۳۶۲). تاریخ بیداری ایرانیان. به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، بخش اول. ج ۳. چ ۴. تهران: موسسه آگاه - انتشارات نوین.
- ووستفلد، فردیناندو ادوارد ماehler. (۱۳۶۰). تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله قمری و میلادی. تهران: فرهنگسرای نیاوران.
- هدایت، مهدیقلی. (مخبر السلطنه). (۱۳۶۳). خاطرات و خطرات. چ ۴. تهران: کتابفروشی زوار.
- گزارش ایران. (۱۳۶۳). تهران: نشر نقره. چ ۲.